

Examining the Effect of Post-Revolutionary Crises in the Change of Jihad Sazandegi's Role in Iran (1358-1368)

Mohammad Jamallo^{*}, Mohsen Seraj^{}**

Seyed Mahmood Sadatbidgoli^{*}**

Abstract

Throughout two decades of its activity (1358-1378), Jihad's duties and responsibilities have seen fundamental developments and changes. Change in the essence of Jihad's activities in its first decade of existence included vast dimensions. So, on the one hand, with the change in the socio-political arena of Iran, Jihad bore change and turmoil in its assigned responsibilities; and on the other hand, change in Jihad Sazandegi's role, first, caused change in the administrative structure of Jihad, and finally lead to the destruction and disappearance of this institution.

The main question in this study is to explain and analyze the way Jihad treated the crises that it faced in the first decade of Islamic Revolution; and also, how these crises affected the fundamental institutional change in it. The present study has used the archival documents, interviews, state reports, and library sources, and applied the descriptive-analytical research method.

The research findings demonstrate that though Jihad firstly came into existence with the purpose of eliminating deprivation from rural areas, its involvement in the crises following first decade of Islamic revolution distanced this institution from its main assignments; and with taking some new marginal roles though it helped the stabilization

* PhD student of Islamic Revolution History, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran, mo.jamal1369@gmail.com

** Assistant Professor of History Department, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran, serajmilad@yahoo.com

*** Assistant Professor of History Department, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran (corresponding author), sadadt@ir-khomeini.ac.ir

Date received: 2023/02/25, Date of acceptance: 2023/06/30



of the Islamic Revolution in deprived rural areas, because of its varied responsibilities and role change, Jihad bore some kind of administrative turmoil in the inside, and in the end this turmoil lead to the change of Islamic Republic's policy makers' outlook on Jihad, and finally its distruction and disappearance

Keywords: Revolutionary Institutions, Jihad Sazandegi, Socio-Political Crises, Eliminating Deprivation.

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران در تغییر نقش جهاد سازندگی (۱۳۵۸-۱۳۶۸)^۱

محمد جمالو*

محسن سراج**، سید محمود سادات بیدگلی***

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی جهاد سازندگی با هدف محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی تشکیل شد. وظایف و مسئولیت‌های این نهاد در مدت دو دهه فعالیتش (۱۳۵۸-۱۳۷۸) بارها دچار تغییر و تحولات بنیادی شد. تغییر در ماهیت فعالیت‌های جهاد در دهه نخست حیات این نهاد ابعاد گسترده‌ای را شامل می‌شد، به طوری که از یک سو با تغییر در صحنه سیاسی-اجتماعی ایران، جهاد سازندگی نیز دچار تغییر و تشویش وظایف محوله شد و از سوی دیگر تغییر نقش جهاد سازندگی نخست سبب تغییر در ساختار اداری این نهاد و در نهایت به فروپاشی و انحلال آن منجر شد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین و تحلیل چگونگی مواجهه این نهاد با بحران‌هایی است که در دهه نخست انقلاب اسلامی روی داد و این که تأثیر این بحران‌ها بر تغییر نهادی نقش جهاد سازندگی چه بوده است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، مصاحبه‌ها، گزارش‌های دولتی، و منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از روش پژوهش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران،

mo.jamal1369@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران،

serajmilad@yahoo.com

*** استادیار گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

sadadt@ir-khomeini.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹



نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که جهاد سازندگی هرچند ابتدا با هدف محرومیت زدایی از روستاها تشکیل شد، اما با درگیر شدن در بحران های دهه نخست پس از انقلاب اسلامی از انجام وظیفه اصلی خود دور ماند و با برعهده گرفتن برخی نقش های حاشیه ای هرچند باعث تثبیت انقلاب اسلامی در مناطق محروم و روستایی شد، به دلیل تنوع وظایف و تغییر نقش نهادی، دچار نوعی بی نظمی اداری در درون شد و در نهایت این بی نظمی سبب تغییر نگاه کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به این نهاد شد تا مسیر انحلال و فروپاشی این نهاد هموار شود.

کلیدواژه ها: نهادهای انقلابی، جهاد سازندگی، بحران های اجتماعی و سیاسی، محرومیت زدایی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جهاد سازندگی یکی از نهادهای انقلاب اسلامی است که به فرمان رهبر انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف محرومیت زدایی از روستاها تشکیل شد. با در نظر داشتن دو دهه حیات جهاد سازندگی، شرح فعالیت های این نهاد به چند دوره زمانی قابل تفکیک است. دوره نخست زمانی است که این نهاد ساختار منسجمی ندارد و صرفاً با افکار دانشجویان موسوم به پیرو خط امام و برخی رهبران سیاسی اداره می شود. دور دوم محدوده زمانی ای را در بر می گیرد که این نهاد با تبدیل شدن به وزارتخانه در تشکیلات رسمی دولت جای می گیرد و دوره سوم، که می توان آن را دوره تفکیکی دانست، مربوط به فعالیت این نهاد پس از تعیین سرنوشت جنگ عراق و ایران است و به مرور به وظایف مدنظر این وزارتخانه افزوده و یا از دامنه اختیارات آن کاسته می شود.

فعالیت های اولیه این نهاد اغلب با محوریت محرومیت زدایی انجام می شد و شامل مسائلی چون عمران و توسعه کوتاه مدت روستایی، مباحث آموزشی و فرهنگی، و برطرف کردن برخی کاستی ها و محدودیت ها در روستاها بود. با تبدیل شدن این نهاد به وزارتخانه قلمرو وظایف این نهاد دچار تغییر شد و از حجم فعالیت های فرهنگی و اجتماعی این نهاد به شدت کاسته شد. در دهه نخست فعالیت این نهاد، چندین حادثه یا بحران کشور انقلابی ایران و هم چنین نقش نهادی جهاد سازندگی را تحت تأثیر خود قرار داد که از بارزترین آن ها می توان به بحران هایی چون بحران چگونگی مشارکت سیاسی روستاییان در ساختار پس از انقلاب اسلامی، بحران نفوذ و فعالیت عناصر ضد انقلاب در برخی مناطق ایران، و بحران پردامنه ایران در جنگ هشت ساله با عراق اشاره کرد که از یک سو بر فعالیت های جهاد سازندگی تأثیر داشته

و از سوی دیگر تبدیل این نهاد به وزارت‌خانه خود باعث ایجاد بحران‌های ساختاری درونی‌ای در این نهاد خصوصاً در تعیین حدود وظایف و اختیارات شد که در روند تغییر نقش نهادی و دورشدن جهاد سازندگی از ماهیت و نقش اصلی نهادی خود یعنی محرومیت‌زدایی از روستاها تأثیر به‌سزایی داشت؛ بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل نقش بحران‌های بیرونی در ایجاد تغییر نقش نهادی در جهاد سازندگی و تحلیل چگونگی این تغییر بر اثر این بحران‌هاست.

۲. مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهشی

طبق مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، پژوهش حاضر فاقد پیشینه پژوهشی ناظر بر مسئله فوق‌الذکر است، اما می‌توان برخی از پژوهش‌هایی را که در جهت موضوع پژوهش به‌نگارش درآمده است به قرار ذیل معرفی کرد:

در کتاب *نهادگرایی و جهاد سازندگی* (ایروانی ۱۳۷۷) به واکاوی ابعاد مدیریت جهاد سازندگی پرداخته شده و شاخصه‌های مدیریت جهادی در این نهاد موردبررسی قرار گرفته است. در مجموعه‌مقالاتی تحت عنوان «نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی» برخی نویسندگان به عملکرد جهاد سازندگی در مناطق مختلف ایران پرداخته‌اند (مجموعه‌مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی ۱۳۸۶). برخی نویسندگان نیز در نشریه *نگین ایران* به بررسی مروری اقدامات جهاد سازندگی در جنگ عراق و ایران پرداخته‌اند (اردستانی ۱۳۹۳؛ حیدری ۱۳۹۳). از آثار شفاهی منتشرشده، که شامل مصاحبه‌هایی با کارکنان جهاد سازندگی است، نیز مطالبی پراکنده درباره زمینه‌های فعالیت جهاد سازندگی آورده شده است (بنگرید به مشایخی و دیگران ۱۳۹۹؛ قافله‌باشی ۱۳۹۷). در اثری تحت عنوان *اقتصاد جهادی* (حسینی و شاه‌بابای آشتیانی ۱۳۹۵) نگاهی گذرا و مروری به فعالیت‌های جهاد سازندگی در بیست سال فعالیت این نهاد شده است. درباره پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره موضوع پژوهش در خارج از ایران نیز می‌توان به *تاریخچه سازمانی جهاد سازندگی ایران*، اثر اریک سندرلاب، اشاره کرد. در این اثر، نویسنده به بررسی ساختار تشکیلاتی نهاد جهاد سازندگی پرداخته است که پژوهش او بیش‌تر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بوده و نگاهی سوگیرانه به موضوع دارد و با این پیش‌فرض، که جهاد سازندگی اغلب در جهت اهداف سیاسی فعالیت می‌کرده، به بررسی تاریخچه سازمانی جهاد سازندگی پرداخته است (سندرلاب ۱۳۹۷). در تحقیقات مذکور، به مسئله اصلی پژوهش حاضر (بررسی و تحلیل

تغییر نقش نهادی در جهاد سازندگی در رویارویی با بحران‌های پس از انقلاب) پرداخته نشده است و صرفاً خاطرات جهادگران و مصاحبه‌های آنان را شامل می‌شود و در برخی نیز صرفاً گزارش‌هایی از عملکرد این نهاد در برخی نقاط جغرافیایی ایران آمده است.

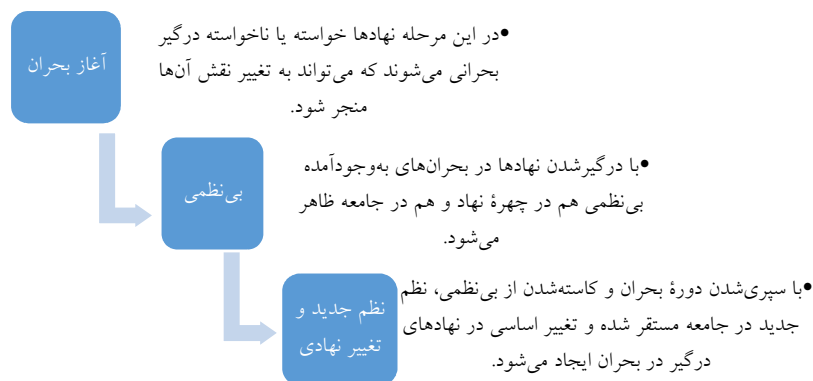
۳. چهارچوب نظری

بحران از مفاهیمی است که در علوم سیاسی و اجتماعی کاربرد وسیعی دارد. بحران‌ها اغلب در دوران گذار و یا سال‌های نخست استقرار نظم جدید رخ می‌دهند. در پی ایجاد بحران، تعادل جامعه به هم ریخته و شرایط به گونه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر رقم می‌خورد. بحران‌های پیش‌روی هر حکومت از تنوع بالایی برخوردار هستند، اما اغلب آن‌ها به دلیل درگیری سیستم حکومتی در درون بحران سیاسی قابل تفکیک و تقسیم‌اند. از مهم‌ترین نمونه‌های بحران‌های سیاسی‌ای که هر حکومت مستقر یا نوپا با آن روبه‌رو می‌شود می‌توان به بحران مشارکت مردمی، بحران نفوذ، بحران امنیت، و بحران‌های ساختاری درون‌نهادی اشاره کرد (براتعلی‌پور ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۹).

منظور از بحران در این پژوهش موقعیتی است که روند عادی کار و فعالیت را در یک نظام یا سیستم و نهاد با وقفه موقت و یا نسبتاً پایدار مواجه می‌کند و به بی‌نظمی در کارکرد و عملکرد آن نهاد منجر می‌شود (بنگرید به تاجیک ۱۳۸۴: ۶۱).

برخی پژوهش‌گران موسوم به نهادگرایان، که برای توضیح محیط نهادی، دگرگونی‌ها، و تغییرهای آن توجه ویژه‌ای به قواعد کارکردی و محیط نهادی دارند (Hodgson 1998: 177؛ متوسلی و دیگران ۱۳۹۷: ۳۴۴) و عمدتاً به نهادگرایان تاریخی شهرت یافته‌اند، از بحران‌ها به عنوان عامل مؤثر در تغییر نهادی نام برده‌اند و معتقدند تحولات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در فرایند تغییر شکل نهادها دارند. از دیدگاه ایشان، تغییر نقش نهادها در جامعه می‌تواند ناشی از راه‌بردهای سیاسی وسیع برای دگرگون کردن عوامل ساختاری جهت رسیدن به اهداف بلندمدت، مطلوب، و شایسته باشد (Steinmo et al. 1992: 16-17) که البته می‌تواند نتایج متفاوتی را برای نهادهای درگیر در آن به بار آورد. بدین صورت، سه مرحله اساسی به اعتقاد نهادگرایان برای نهادها در مواجهه با بحران به وجود می‌آید که می‌توان آن را مطابق شکل ذیل به سه مرحله آغاز بحران، بی‌نظمی نهادی، و در نهایت ایجاد نظم جدید و تغییر نقش نهادی تفکیک کرد.

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۱۳



با در نظر داشتن مسیر تغییر نهادی، که در شکل فوق آمده است، به نظر می‌رسد در تغییرات نهادی جهاد سازندگی، بحران‌ها به عنوان عامل مؤثر نقش بارزی ایفا کردند. در حوادث و بحران‌های پس از تأسیس جهاد سازندگی نیز این مسئله به وضوح قابل رؤیت است. پس از تأسیس این نهاد با نقش محرومیت‌زدایی از روستاها، به مرور جهاد با سه بحران اساسی روبه‌رو شد. ۱. بحران مشارکت دادن روستاییان در حل بحران‌های پیش‌روی اهالی روستا، ۲. بحران مقابله با عناصر ضدانقلاب و فعالیت‌های ایشان در روستاها، و ۳. بحران حاصل از آغاز جنگ ایران و عراق و مسئله چگونگی ایفای نقش جهاد در مسئله جنگ که می‌توان این سه بحران را به عنوان مهم‌ترین بحران‌های دهه نخست فعالیت این نهاد، که زمینه‌ساز ایجاد بی‌نظمی در ایفای نقش اصلی جهاد و متعاقباً تغییرات نهادی در این نهاد گردید، به حساب آورد.

بر اساس الگوی ذکر شده، در مرحله دوم، با درگیر شدن نهادها در بحران‌های به‌وجودآمده بی‌نظمی هم در چهره نهاد و هم در ایفای نقش اصلی آن ظاهر می‌شود. درباره جهاد سازندگی نیز، همان‌طور که اشاره خواهد شد، این مسئله اتفاق افتاد و بی‌نظمی حاصل از دایره انجام وظایف و تغییر نقش نهادی سبب شد تا آثار آن هم در نظام و ساختار اداری جهاد ظاهر شود و هم در بین مردم به‌ویژه مردم روستایی که خواهان رسیدگی مرجع خاصی برای حل مسائل و مشکلات خود بودند.

در نهایت، در مرحله سوم، با سپری شدن دوره بحران و کاسته شدن از بی‌نظمی، نظم جدید در جامعه مستقر شده و تغییر اساسی در نهادهای درگیر در بحران ایجاد می‌شود. غلبه و حل مسائل و بحران‌های پیش‌روی جهاد در دهه نخست فعالیت آن تغییرات بنیادینی را در ساختار و نقش این نهاد، که در ابتدا با هدف محرومیت‌زدایی از روستاها شکل گرفته بود، به‌وجود آورد و همین امر سبب تفکیک وظایف متعددی در وظایف محوله به جهاد و غلبه ساختار اداری و دولتی بر این نهاد شد و زمینه‌های انحلال و ادغام آن در سایر دستگاه‌های اجرایی را فراهم ساخت.

با در نظر داشتن چهارچوب نظری فوق، در پژوهش پیش‌رو به مسئله چگونگی تأثیرگذاری بحران‌ها در تغییر نقش جهاد سازندگی پرداخته و نشان می‌دهیم که چگونه جهاد سازندگی به‌عنوان یکی از نهادهای ایجادشده پس از انقلاب با نقش و وظیفه مشخص بر اثر برخورد با بحران‌های پس از انقلاب براساس الگوی ذکرشده دچار تغییر نقش نهادی گردید.

۴. جهاد سازندگی و آغاز بحران‌ها

۱.۴ بحران مشارکت

نخستین عرصه مشارکت روستاییان در امور مربوط به سیاست و حکومت در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شرکت این طیف از مردم در همه‌پرسی تعیین نوع نظام رقم خورد. پس از برگزاری چندین دوره انتخابات در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، «طرح تشکیل شوراهای اسلامی روستاها» از سوی جهاد سازندگی مطرح شد. هرچند در ابتدای انقلاب برخی شوراهای و انجمن‌های روستایی تشکیل شده بود، آن‌ها از طرفی فاقد وجهه قانونی بودند و از طرف دیگر تحت نفوذ عوامل سیاسی و کارگزاران باقی‌مانده از رژیم پیشین بودند و نمی‌توانستند به هم‌دلی و وفاق برسند. مشخص نبودن وظایف و عدم همکاری ادارات و وزارت‌خانه‌ها نیز سبب سرخوردگی شوراهای روستاییان بود (مجله جهاد ۱۳۶۰ الف: ۱۴).

موضوع شوراهای پس از انقلاب توسط «آیت‌الله طالقانی» مطرح شد و به‌شدت مورد استقبال قرار گرفت، اما جهاد سازندگی در قالب برنامه‌ای به‌منظور ایجاد مشارکت بیش‌تر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور روستا تأکید خاصی به برگزاری انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا داشت. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده می‌توان دریافت که آغاز تشکیل شوراهای در مناطقی است که اغلب مرزی و مورد نفوذ گروهک‌ها و عناصر ضدانقلاب بودند.

وجود بحران‌های قومی - قبیله‌ای و ایجاد بی‌نظمی‌ها در این مناطق خواسته یا ناخواسته سبب شد تا ضرورت برقراری نظم جدید در بین کارگزاران نظام بالأخص نهاد و متولی امور روستاها در ایران پس از انقلاب، یعنی جهاد سازندگی، احساس شود. به همین دلیل، جهاد سازندگی، که در محرومیت‌زدایی از روستاها ایفای نقش کرده بود و دارای منزلت اجرا و اعتبار در نزد روستاییان بود، ابتکار ایجاد شوراهای را بر عهده گرفت. از دیدگاه جهاد سازندگی، اگر روستاییان در اداره امور مربوط به خودشان در قالب شوراهای روستا دخالت داده می‌شدند، بهتر می‌توانستند مسائل و مشکلات خویش را حل کنند (مجله جهاد ۱۳۶۱ ب: ۷۸). جهاد سازندگی ضمن تأکید بر مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر داشت تا با

ایجاد شوراهای روستایی در حل مسائل روستا از روستاییان استفاده کند و با کمک اهالی روستا مشکلات و بی‌نظمی‌های ناشی از بحران ایجادشده را حل و فصل کند؛ چراکه شوراهای نهادهایی متشکل از افراد معتمد و منتخب روستا بودند و به عنوان رابط جهاد و روستا وظیفه پی‌گیری امور مختلف روستا را برعهده داشتند. بحران‌های حاصل‌شده در روستاها ناشی از بحران مشارکتی بود که در دوره پهلوی ایجاد شده بود و هیچ‌گونه نهاد مستقلی برای رسیدگی به امور روستاییان وجود نداشت. به همین دلیل، عقب‌ماندگی محسوس در اغلب روستاها در این زمینه دیده می‌شد.

بالین که جهاد در بحث انتخاب شوراهای هیچ تلاش محسوسی برای دخالت در رأی و نظر مردم خصوصاً در انتخابات سراسری کشور نداشت، روستاییان جهاد را باور داشتند و به‌اصرار از آن‌ها می‌خواستند که نظر خود را درمورد افراد اعلام کنند (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۰۰). هم‌چنین، جهاد سازندگی با برپایی هم‌اندیشی‌های مختلف جهت تبیین ضرورت تأسیس شوراهای اسلامی در روستاها و اهمیت و جایگاه این شوراهای اسلامی در تصمیم‌گیری برای روستاها به همکاری با ادارات مختلف در امر انتخابات شورای اسلامی روستاها پرداخت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۶۰۲۵، ۴-۱). در همین جهت، در دومین هم‌اندیشی جهاد سازندگی، بحث تشکیل گروه شورای روستایی مطرح شد و پس‌از آن دفتر مرکزی جهاد سازندگی رسماً واحدی به‌نام مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی روستایی ایجاد کرد. انتخابات شوراهای روستاها توسط جهاد سازندگی و زیر نظر وزارت کشور انجام می‌شد (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۱۰۶). بدین طریق جهاد، که در ابتدا تنها به دنبال محرومیت‌زدایی در روستاها بود، کم‌کم با توسعه نقش خویش درباره شوراهای به‌کش‌گری سیاسی در روستاها پرداخت و همین امر موجب بسط نفوذ سیاسی و عقاید سیاسی جهادگران در امور روستاها شد. ازسوی دیگر، با در نظر داشتن جایگاه طبقاتی اکثر کارکنان جهاد و وجود نوعی هم‌بستگی مابین ایشان و مردم روستاها می‌توان به وجود زمینه مساعد جهت بسط نفوذ سیاسی جهاد در روستاها و پذیرفتن نقش سیاسی علاوه بر نقش اصلی آن پی برد. این امر ازسویی زمینه‌ساز مشارکت بیش‌تر روستاییان در امور مربوط به شوراهای حل بحران مشارکت در روستاها می‌شد و ازسوی دیگر جهاد را به نوعی تغییر نقش نهادی و گرفتن نقش سیاسی در روستاها نیز سوق می‌داد. طبق بررسی به‌عمل آمده در ابتدای فعالیت‌های جهاد سازندگی اکثر اعضای جهاد را افرادی تشکیل می‌دادند که از طبقه متوسط روستایی بودند و پدران و پدربزرگان آنان روحانی، معلم، دست‌فروش، مغازه‌دار، صراف، تاجر، و عمده‌فروش شهرهای مختلف ایران بودند. به همین دلیل، اعضای جهاد توانستند از ارتباطات و دانش محلی و از منابع مالی شخصی در جهت

عضوگیری، اجرای پروژه‌ها، و فعالیت‌های مختلف و هم‌چنین تثبیت انقلاب در روستاها استفاده کنند. اعضای جهاد سازندگی با برقراری ارتباطات عمیق میان روستاییان ذهنیت، عادت‌ها، نیازها، و اولویت‌های آنان را درک می‌کردند و به‌سادگی با آنان ارتباط برقرار کرده و اعتماد روستاییان را به خود جلب می‌کردند و متعاقباً و شاید هم ناخودآگاه از این اعتماد در بسط مشارکت سیاسی و نفوذ اعتقادات سیاسی خویش مابین روستاییان بهره می‌بردند. شاید از همین رو باشد که برخی از پژوهش‌گران خارج از ایران نیز جهاد سازندگی را ابزاری برای تحکیم قدرت جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و معتقدند با خدمات جهاد سازندگی حکومت توانست به حاشیه روستایی و عشایری کشور نفوذ کند و آن‌ها را تحت‌کنترل خود درآورد (سندرلاب ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۱).

نفوذ سیاسی جهاد در بحث بحران مشارکت و انجام انتخابات شورای روستاها علناً به گسترش حوزه نفوذ نظام جمهوری اسلامی در مناطق دوردست انجامید و ضمن جلوگیری از بحران نفوذ گروهک‌ها، به افزایش کارآمدی و در نتیجه مشروعیت نظام سیاسی کمک کرد (اشرفی ۱۳۹۹: ۵۵). در مصاحبه‌های انجام‌شده با کارکنان جهاد نیز این مسئله مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. علیرضا افشار، از اعضای فعال جهاد سازندگی در سال‌های فعالیت این نهاد، در خاطرات خود می‌گوید: «آبادشدن روستاها و رسیدگی به محرومین ریشه ضدانقلاب را خشکاند و به همین دلیل بغض ضدانقلاب از بچه‌های جهاد بیش‌تر از سپاه بود» (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۳۰).

جهاد سازندگی با فعالیت‌های خود در جهت محرومیت‌زدایی در روستاها کم‌کم به این منزلت نزد روستاییان و مردم مناطق محروم رسید که بتواند دیدگاه‌ها و مشی سیاسی اعضای خود و آرمان‌های انقلاب را نیز به مردم این مناطق منتقل کرده و علاوه بر نقش اصلی خود، به نقشی ویژه در تثبیت انقلاب و حکومت برآمده از آن نزد روستاییان و مردم مناطق محروم نیز دست یابد. بسیاری آگاهی روستاییان از مسائل سیاسی و امنیتی را نتیجه حضور مداوم جهاد در روستاها دانسته و اعتقاد داشتند که اگر از یک روستایی راجع به مسائل داخل و خارج از کشور سؤال کنید، می‌بینید که قضایا را به‌گونه‌ای بیان می‌کند که شاید سیاست‌مداران کشورهای دیگر نتوانند به این روشنی مسائل را بیان کنند. آن‌ها معتقد بودند که روستاییان باوجود این نهاد آگاه شده‌اند و این آگاهی مانع از نفوذ گروهک‌های ضدانقلاب در روستاها شده است (مجله جهاد ۱۳۶۱ الف: ۲۶).

در نتیجه جهاد سازندگی ضمن فعالیت‌های حمایتی روستایی از قدرت خان‌ها و کدخدا، که همواره تهدیدی جدی چه برای مردم روستا و چه برای حکومت نوپای جمهوری اسلامی

بودند، کاست و با پیشرفت کارها و اقدامات انجام‌شده زمینه مشارکت مردم در انتخابات دولتی را فراهم ساخت و باعث شد تا به روستاییان فرصت مشارکت سیاسی بیش‌تر داده شود و به جمهوری اسلامی ایران نیز این امکان را دهد تا در سال‌های نخست پس از انقلاب، اداره مؤثرتر روستاها را فراهم سازد. شوراهای روستایی در دهه شصت نقش عمده‌ای در هدایت مسائل روستاها و رفع اشکالات ایفا کردند. درواقع، شورای روستا نماینده جهاد در روستا بود. بر همین اساس و طبق یک قرار نانوشته، جهاد متولی شوراهای روستا و وزارت کشور متولی شوراهای شهر به حساب می‌آمد (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۹۴). بدین طریق، جهاد با تغییر نقشی محسوس رابط بین حکومت و مردم در روستاها شد.

۲.۴ بحران فعالیت‌های ضدانقلاب و مواجهه جهاد با آن

دومین بحرانی که پس از انقلاب اسلامی حوادث و وقایع تأثیرگذاری در صحنه سیاست و اجتماع را به دنبال داشت فعالیت عناصر موسوم به گروه‌های ضدانقلاب بود. این بحران درطول دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشور را درگیر خود کرد و سبب ایجاد بی‌نظمی و خسارات جبران‌ناپذیر مادی و حتی معنوی در بین مردم و انقلابیون شد. گروهک‌های ضدانقلاب با استقرار در مناطق مرزی ایران، که دارای محرومیت مضاعفی نسبت به سایر مناطق کشور بودند، شروع به کارشکنی علیه انقلاب اسلامی کردند و مشکلات امنیتی متعددی را پیش‌روی روستاییان قرار دادند. جهادگران نیز، که نقش اصلی آن‌ها در ابتدای امر محرومیت‌زدایی از مناطق محروم بود، خواسته و ناخواسته با بحران فعالیت ضدانقلاب در این مناطق روبه‌رو شدند و به ناچار این مناطق را در اولویت رسیدگی خود قرار دادند. ازسوی دیگر، در اکثر استان‌های محروم، گروهک‌های ضدانقلاب به بهانه کمک به محرومان در سطوح مختلف مدیریتی جهاد نفوذ کرده بودند و خدمات و اقلامی را که برای مناطق محروم روستایی فرستاده می‌شد به نام خود و با مهر و آرم سازمان مجاهدین توزیع می‌کردند. به همین دلیل، ضرورت پاک‌سازی آنان نیز احساس شد (قافله‌بashi و دیگران ۱۳۹۷: ۲۳). با بالاگرفتن بحران نفوذ گروهک‌های معاند در روستاها و مناطق محروم، جهاد سازندگی به سمت قبول نقشی فزاینده از نقش اصلی خود یعنی تلاش برای تثبیت انقلاب در روستاها و مناطق محروم کشور سوق داده شد تا مانع فعالیت گروه‌های سیاسی معاند در این مناطق شود (حسنی و شاه‌بابای آشتیانی ۱۳۹۵: ۴۴). به گفته برخی کارکنان جهاد سازندگی، به دلیل سابقه جهاد در کمک به روستاییان و محرومیت‌زدایی در این مناطق، باوجود فعالیت گروه‌های ضدانقلاب، مردم گرایش به آن‌ها نشان نداده و حضور مؤثر جهاد در این امر تأثیرگذار بود (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۹۲).

در خاطرات محمدتقی/مان‌پور آمده است که:

مدیران اصلی جهاد استان به شهری وارد شده بودند که فضای سنگین سیاسی بر آن سایه انداخته بود و در و دیوار شهر را شعارهای گروهک‌ها پوشانده بود. شاید تعداد عناصر منافق و پای‌کار ضدانقلاب زیاد نبود، اما همین عده توانسته بودند با شعارنویسی فضای فرهنگی و سیاسی شهرستان را تحت‌تأثیر قرار دهند (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۷۷).

ضدانقلاب در برخی نقاط فضا را برای خدمت‌رسانی تنگ کرده بود. آن‌ها با ایجاد ناامنی زمان کار را محدود به روز می‌کردند و به این ترتیب، هزینه و زمان پروژه‌ها افزایش می‌یافت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۵۵۱۱، ۲۵). همان‌طور که اشاره شد، محرومیت روستاها زمینه نفوذ ضدانقلاب شده بود. روستاها وضعیت خوبی نداشتند و محرومیت‌زدایی از آنان هدف انقلاب اسلامی تلقی می‌شد. «در این فضا، ضدانقلاب نیز از مطالبات مردم سوءاستفاده می‌کرد و با ایجاد پایگاه‌های خود در این مناطق، به دنبال ایجاد سوءظن به نظام نوپای اسلامی و بارگیری از میان مردم بود» (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۵۴). در برخی روستاها، ضدانقلاب اقدام به ربودن ادوات کشاورزی متعلق به جهاد سازندگی می‌کرد تا مانع فعالیت این نهاد شود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۵۵۱۱، ۲۶). هم‌چنین، ضدانقلاب گاه‌وبی‌گاه به نیروهای جهاد سازندگی حمله می‌کرد و نیروهای جهاد را به قتل می‌رساند و یا آن‌ها را گروگان می‌گرفت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۵۵۲۶، ۱۹۱) و برخی از افراد روستاها را در تشکیلات خود جذب می‌کرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۵۵۱۱، ۳۳).

گروهک‌های ضدانقلاب توجه زیادی به روستاها داشتند و همه فکشان این بود که روی روستاها کار کنند. آن‌ها می‌خواستند به روستاها بروند و از عدم آشنایی روستاییان به فرهنگ انقلاب و ارزش‌هایی که انقلاب برای آن‌ها هدیه می‌آورد استفاده کنند و روستاییان را با طرح‌ها و ارزش‌های دروغین علیه انقلاب اسلامی تحریک کنند تا به این وسیله از استقرار نظام اسلامی جلوگیری کنند (مجله جهاد ۱۳۶۱ الف: ۲۶).

رضایت روستاییان از اقدامات جهاد در سالیان نخست فعالیت زمینه همکاری و تعامل آن‌ها را با جهاد سازندگی به‌منظور از بین بردن نفوذ ضدانقلاب در روستاها فراهم ساخت. اثرگذاری جهاد تا جایی بود که یکی از سران کومله در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که عامل بیرون‌راندن ما از کردستان جهاد بود (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۳۷).

در یکی از مقالات نشریه جهاد درباره نقش جهاد سازندگی در ایجاد امنیت در برخی مناطق تحت نفوذ ضدانقلاب در آذربایجان غربی آمده است که باوجود اقدامات جهاد سازندگی در

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۱۹

حوزه راه‌سازی و احداث راه‌های مختلف روستایی و شهری اقدامات ضدانقلاب در این منطقه به‌راحتی خنثی می‌شود (مجله جهاد ۱۳۶۱ د: ۵۷).

در رابطه با ازبین‌بردن پایگاه اجتماعی گروهک‌ها در منطقه نیز فعالیت‌های جهاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برای نمونه، یکی از عناصر کومله در جواب جهادگر اسیری که سؤال می‌کرده شما به چه علت ما را زندانی می‌کنید جواب می‌داده که جهاد سازندگی کمر ما را شکسته است و هر جا می‌رویم می‌بینم جهاد می‌آید یک کاری می‌کند. تمام آن فعالیت‌های ما خنثی می‌کند و از بین می‌برد و مردم را به دولت راغب می‌کند (همان).

در یکی دیگر از گزارش‌ها نیز اذعان شده است که:

تعدادی از اهالی مهاباد و روستاهای اطراف، که به‌شدت فقیر بودند و از نظر مالی وضعیت خوبی نداشتند، برای کارکردن به جهاد سازندگی رفته و در آنجا مشغول به کار می‌شوند، ولی گروهک‌ها به آن‌ها حمله کرده، آنان را به‌قتل رساندند. گروهک‌ها به مردم بومی فشار می‌آوردند که با جهاد سازندگی همکاری نکنید (مجله جهاد ۱۳۶۰ ب: ۵۴).

جهاد تأکید داشت که می‌بایست پاک‌سازی ضدانقلاب در مناطق موردنفوذ با کمک مردمی همان منطقه حل شود و از ورود به مسائل نظامی خودداری می‌کرد. برای نمونه، باتوجه‌به این‌که منطقه کردستان منطقه محرومی بود، جهاد سازندگی در همان ماه‌های نخست فعالیت اقدام به انجام پروژه‌های شهری کرد و تعداد زیادی از افراد بومی منطقه کردستان در این نهاد جذب شدند. در طول سه سال نخست فعالیت جهاد در این منطقه، پروژه کانال فاضلاب شهری سنندج انجام شد و سی دستگاه خانه مسکونی برای محرومان ساخته شد. هم‌چنین، جهاد سازندگی توانست در بحث راه‌ها، که به‌عنوان شریان حیاتی تأمین امنیت این منطقه بود، اقدامات مؤثری را انجام دهد (مجله جهاد ۱۳۶۱: ۵۱).

دولت نیز در ایفای نقش جدید جهاد سازندگی و مواجهه آن با ضدانقلاب این نهاد را حمایت می‌کرد. برای مثال، به‌منظور مقابله بهتر و کنترل نفوذ عناصر ضدانقلاب در منطقه آذربایجان غربی بهبود راه‌های ارتباطی این استان و محرومیت‌زدایی از مناطق فوق اهمیت زیادی داشت و در مجلس شورای اسلامی نیز پیش‌نهادهایی برای اختصاص بودجه برای بازسازی راه‌های ارتباطی و ابنیه جهاد سازندگی و تأسیسات موردنیاز جهاد سازندگی در آذربایجان غربی و کردستان ارائه و تصویب شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، مصوبه شماره ۳۶۶-۳۱۰-۶۶۷-۱).

۳.۴ جهاد سازندگی در مواجهه با بحران جنگ

بحران دامن گیر جنگ عراق و ایران از مسائلی است که هرچند انتظار پایان آن در کوتاه مدت وجود داشت، با دامنه دارشدن نبردها، مدت زمانی بیش از هشت سال را در بر گرفت. بر اثر این بحران، جهاد سازندگی دچار تغییر نقش شده و به سرعت وارد عمل شد و این واکنش سبب شد تا دامنه فعالیت های جهاد سازندگی از سوی محوریت محرومیت زدایی به اهداف سیاسی - دفاعی و پشتیبانی جنگ نیز کشیده شود.

با شروع جنگ و انتشار پیام امام خمینی مبنی بر حضور فعال مردم، اکثر نیروهای جهاد سازندگی همانند سایر نهادهای انقلابی براساس توان مندی ها و قابلیت های خود به سوی مرزهای ایران و عراق سرازیر شدند. شورای مرکزی جهاد سازندگی نیز طی فراخوانی از عموم مردم خواست تا با حضور در جنگ یاری رسان سپاه و ارتش باشند. بنابر ضرورت هماهنگی بین نیروها و امکانات و تجهیزات جنگ، جهاد سازندگی ابتدا با تشکیل ستاد پشتیبانی مهندسی رزمی جنگ، نیاز جنگ به پشتیبانی رزمی، و سپس نیاز به برنامه ریزی جهت رفع محرومیت های پس از جنگ را در اولویت کار خود قرار داد (بنگرید به ساکما، سند ۳۲۰/۵۴۲۳۵). حضور جهاد سازندگی شامل چهل گردان مهندسی - رزمی و پنج قرارگاه عملیاتی و پشتیبانی جنگ استان ها و ستاد مرکزی به طور سازمان دهی شده و با تجهیزات و ماشین ابزار در عملیات بود (اردستانی ۱۳۹۳: ۵-۷).

ارتباط جهاد سازندگی با رهبران انقلاب در طول جنگ سبب شد که اکثر اقدامات جهاد در جنگ مورد تأیید رهبران نظامی و فرمان دهان عملیات باشد. برخی از مسئولان انقلاب اسلامی در سال های جنگ به نقش کاربردی و مؤثر جهاد اذعان داشته اند و معتقد بودند که «برای نوشتن تاریخ جنگ، باید تاریخ خدمات جهاد را بنویسیم» (مجله جهاد ۱۳۶۱: ۱۱). آنان دلیل حضور جهاد سازندگی در جنگ را ضرورت نیاز سایر دستگاه های درگیر در جنگ به این نهاد دانسته و معتقد بودند:

طبعاً جهاد هم به عنوان روح زنده جامعه و بخش متحرک اجتماع ماقبل و یا در ردیف اولین بخش هایی بود که این نیاز را احساس کرد و دریافت این نیاز نیاز مبرمی است و لذا به جبهه آمد و درحقیقت به همان اندازه سپاه، نیروهای رزمنده، و ارتش، که راه فتح را باز کردند، جهاد نیز هم در نقش مهندسی به کمک مهندسی ارتش شتافت (همان: ۱۱-۱۲).

در یادداشت های باقی مانده از اعضای جهاد سازندگی نیز بر جنبه های دینی و معنوی دفاع مقدس و انجام کار و رفع نیاز تأکید شده است. از دید جهادگران، دلایل حضور این نهاد در

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۲۱

جنگ «در فلسفه وجودی نهاد و نیروهای آن بوده که شامل شور انقلابی و جوان‌گرایی» است. به تعبیری

اگرچه حضور و فعالیت‌های جهادگران در مناطق محروم کشور خود یک جهاد برای سازندگی بود، ولیکن باید اذعان داشت که جهادگران پیش‌رو آنانی بودند که برای حراست از تکلف نظام و موجودیت انقلاب اسلامی از جان و مال و فرزند خود گذشته و در جبهه نبرد شرکت کردند (ساکما، سند ۴۷۶۹۸/۳۲۰).

به نظر می‌رسد اثرگذاری معنوی برخی از مفاهیم دینی و مذهبی مانند جهاد، شهادت، ایثار، جانباز و تأکید بر واژه «دفاع مقدس» از سوی رهبران نظام جمهوری اسلامی از یک‌سو و شوروهیجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت مقابله با بی‌نظمی‌ها و عدم اتحاد نظر در چگونگی حضور نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) سبب شد تا جهاد سازندگی به‌عنوان نهاد هماهنگ‌کننده این امور حضور در جنگ را ضرورتی انکارناپذیر تصور کند.

با ادامه‌دارشدن جنگ، فرایند تغییر نقش در جهاد سازندگی نیز سرعت بیش‌تری گرفت و برای مقابله با بی‌نظمی‌های ایجادشده حاصل از بحران جنگ و با درنظرداشتن حضور مداوم این نهاد در جنگ به‌ناچار به ایفای نقش در جنگ کشانده شد و متعاقباً با پذیرفتن نقش جدید بیش‌ازپیش از هدف اولیه تأسیس خویش فاصله گرفت و صرفاً در بخش بازسازی‌های پس از جنگ توانست به برخی از وظایف اصلی خویش یعنی محرومیت‌زدایی از روستاها بازگردد. برخی از مهم‌ترین ابعاد تغییر نقش جهاد سازندگی در جنگ را می‌توان در موارد ذیل جست‌وجو کرد.

۱.۳.۴ حضور در عملیات

در اکثر نبردها، جهاد سازندگی نقش پشتیبانی را عهده‌دار بود و با ارائه کمک‌های فنی و مهندسی به فعالیت پرداخت. جهاد در عملیات ثامن‌الائمه اقدام به احداث جاده‌های متعدد و خاک‌ریز و احداث جاده «وحدت»، احداث خاک‌ریز دفاعی کنار رود کارون، و ایجاد آتش بر روی کارون کرد. در عملیات طریق‌القدس، ضمن احداث جاده به‌طول چهل کیلومتر (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۸۳-۸۷)، بندهای مهندسی، تدارکاتی، و تعمیراتی در مجاورت تیپ‌های نظامی، تجهیز و راه‌اندازی بیمارستان سوسنگرد، احداث بیش از دویست کیلومتر خاک‌ریز عملیاتی، و احداث شبکه راه تدارکاتی را در کارنامه خود ثبت کرد (مجله جهاد ۱۳۶۲: ۲۷-۲۸).

در عملیات فتح‌المبین، مسئولیت مهندسی رزمی عملیات به‌طور کتبی و رسمی به جهاد واگذار شد و جهاد با تشکیل ده ستاد عملیاتی از جهاد استان‌ها وارد عمل شد و با به‌کارگیری بیش از ۵۵۰۰ جهادگر توانست حدود ۱۰۰۰ کیلومتر راه عملیاتی، ۵۰۰ کیلومتر خاک‌ریز، ۱۳۰ دهنه پل، چند باند بالگرد، ۵۱ دستگاه اورژانس، ۱۴ دستگاه حمام صحرایی، و ۴ حلقه چاه احداث کند (مجله جهاد ۱۳۶۱ ز: ۱۴؛ ساکما، سند ۳۲۰/۴۸۶۲۳، ۳۲۰/۴۵۲۳۴). در عملیات بیت‌المقدس نیز مسئولیت مهندسی این عملیات به جهاد واگذار شد. از فعالیت‌های عمده جهاد در این عملیات ارتباط بین جاده آبادان و خرمشهر در منطقه دارخوین، احداث نه دهنه پل، احداث دو خاک‌ریز مهم، ایجاد سایت موشکی، ایجاد تعمیرگاه‌های ثابت و سیار، بسیج بیش از هزار دستگاه کمپرسی، احداث بیش از هفتصد کیلومتر جاده ارتباطی، و پانصد کیلومتر خاک‌ریز بود (مجله جهاد ۱۳۶۱ ز: ۱۴؛ ساکما، سند ۳۲۰/۴۵۴۲۵).

۲.۳.۴ پشتیبانی جنگ

جمع‌آوری و ارسال و توزیع کمک‌های مردمی به جبهه‌ها از دیگر فعالیت‌های جهاد سازندگی در طول جنگ بود. با حضور ستادهای مختلف جهاد از استان‌های سراسر کشور در محورهای جنگی، لزوم ارتباط گسترده مردم و جلب کمک‌های آنان به جبهه‌های نبرد ضرورت یافت. جهاد سازندگی در کلیه استان‌ها و شهرستان‌های کشور شبکه‌ای وسیع و گسترده جهت انتقال ارزش‌های جنگ در میان مردم و جلب کمک‌های مردمی تحت عنوان ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان یا شهرستان مربوطه تشکیل داد. از عمده فعالیت‌های این ستادها می‌توان به بسیج نیروهای مردمی و اعزام نیروهای متخصص و فنی داوطلب به جبهه‌ها، تشکیل کارگاه‌های مردمی، بسته‌بندی مواد غذایی، دوخت و بافت لباس موردنیاز رزمندگان، بسیج کمپرسی‌های شخصی مردم و اعزام آن‌ها به جبهه‌ها، ایجاد واحدهای فرهنگی تبلیغی در شهرها و روستاها، و انجام فعالیت‌هایی از قبیل تشکیل نمایشگاه عکس جهت انتقال حماسه‌ها و ارزش‌های معنوی جبهه‌های نبرد به پشت جبهه‌ها و تشویق مردم به پشتیبانی و حمایت هرچه بیش‌تر از رزمندگان اشاره کرد (ساکما، سند ۳۲۰/۴۸۵۵۱).

۳.۳.۴ فعالیت در بخش تحقیقات مهندسی جنگ

توسعه و به‌کارگیری مهندسی رزمی در جنگ نتیجه حضور جهاد در خط مقدم بود (ساکما، سند ۳۲۰/۴۸۵۵۱). ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی به‌منظور سامان‌دهی به نیروهای نظامی

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۳۳

و منسجم‌ساختن آن‌ها اقدام به تشکیل پنج قرارگاه در مناطق مرزی درگیر جنگ کرد (ساکما، سند ۳۲۰/۴۵۴۹۰). هم‌چنین، راه‌اندازی مرکز تحقیقات جهاد به‌منظور منسجم‌کردن فعالیت‌های تحقیقاتی و نوآوری مرتبط با مهندسی جنگ از دیگر فعالیت‌های بخش تحقیقات مهندسی جنگ جهاد بود (قافله‌باشی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۸۲). مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی از اولین مراکز تحقیقاتی جهاد سازندگی بود که پژوهش‌هایی دربارهٔ مهندسی دفاعی و نظامی و صنایع نظامی ایران انجام می‌داد. قلمرو مطالعاتی و فعالیت این مرکز شامل انواع پروژه‌های نظامی از جمله موشک‌های زمین به زمین و تانک و خودروهای زرهی، بالگرد، پل‌های متحرک، و سایر انواع پل، کف‌پوش مخصوص باتلاق، پمپ‌های آب، ماسک، و دستگاه‌های ضدشیمیایی، و دستگاه‌های استخراج معدن می‌شد (بیست سال تلاش برای سازندگی ۱۳۸۰).

۴.۳.۴ بازسازی مناطق جنگ‌زده

جهاد سازندگی از بدو شروع جنگ در اندیشهٔ بازسازی مناطق جنگ‌زده و رسیدگی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطق درگیر جنگ بود. نخستین بار پس از شکست حصر آبادان (بنگرید به ساکما، سند ۳۲۰/۴۷۶۲۱) موضوع بازسازی مناطق جنگ‌زده مطرح شد و مقدمات تشکیل ستادی به‌منظور انجام این امور فراهم شد (مجلهٔ جهاد ۱۳۶۲ ب: ۴۴). برای نخستین بار در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۶۰ شورایی به‌نام «شورای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی» تشکیل شد تا اهداف، خط‌مشی، و شرح وظایف جهاد سازندگی در بازسازی مناطق جنگ‌زده را تدوین کند (همان).

محرومیت بیش از حد مناطق جنگ‌زده و گستردگی خسارات جنگ بر این مناطق از یک سو و ازسوی دیگر فقر و محرومیت مضاعف روستاییان لزوم محرومیت‌زدایی در این نقاط را بیش‌ازپیش آشکار می‌ساخت و این امر مستلزم صرف هزینه‌های زیادی برای بازسازی خسارات مناطق جنگ‌زده بود (ساکما، سند ۳۲۰/۵۴۳۸۱). روش کار جهاد سازندگی در بازسازی مناطق آن بود که در ابتدا، با پرکردن پرسش‌نامه از معتمدان روستا، اطلاعات لازم برای آگاهی از میزان محرومیت را به‌دست می‌آورد (مجلهٔ جهاد ۱۳۶۲ ب: ۴۴) و سپس، باتوجه‌به نیاز مردم روستا، رویکردهای مختلفی درقبال بازسازی مناطق جنگ‌زده در پیش می‌گرفت. این رویکردها شامل رویکرد کشاورزی، عمرانی، آموزش و تربیت انسانی، ترویجی، فرهنگی، و ... می‌شد. اهداف اولیهٔ جهاد از بازسازی مناطق جنگ‌زده عبارت بود از: احیای زمین‌های بایر و موات جهت کشت محصولات کشاورزی، ایجاد خدمات زیربنایی در امور آب و خاک،

فراهم ساختن زمینه بازگشت مردم به مناطق مسکونی جنگ‌زده، ایجاد خدمات رفاهی برای روستاییان، سرمایه‌گذاری برای پیوند مردم با مباحث فرهنگی، استفاده از نیروی مردمی و بسیج محلی در انجام امور، و اتکا به اصل خودکفایی (ساکما، سند ۴۰۰/۰۱۰۷۰۵). به‌طور کلی، جهاد سازندگی به‌عنوان متصدی انجام بازسازی مناطق جنگ‌زده در صدد بود تا ابتدا با بازسازی شبکه‌های آبیاری، حفر چاه‌های عمیق، و احیای زمین‌های کشاورزی، که بر اثر جنگ خسارت دیده بودند، زمینه بازگشت مهاجران جنگی به روستا را فراهم سازد و سپس، با حمایت از فعالیت‌های کشاورزی و دام، صنعت روستایی را احیا و مورد توجه قرار دهد تا سطح درآمدی مردم در روستا بالا رود. رسیدگی به تأسیسات عمومی و زیربنایی و احداث مدارس و حمام‌ها، مساجد، و راه‌های روستایی پس از موارد فوق در اولویت‌های بعدی در خصوص بازسازی روستاها قرار داشت (مجله جهاد ۱۳۶۱ ه: ۲۷؛ ساکما، سندهای ۲۹۳/۹۶۰۴، ۳۲۰/۴۵۸۷۴، ۲۹۳/۱۵۳۰۹).

جهادگران مهم‌ترین دلیل حضورشان در بازسازی مناطق جنگ‌زده را در «فلسفه وجودی و اهداف اولیه تأسیس این نهاد» دانسته و معتقد بودند:

کمک به مجروحین روستاها و هم محروم‌ترین مناطق سبب می‌شود که باوجود تمامی مشکلات و کمبودها مسئولیت این کار را بپذیرد. به‌علت جو سیاسی این مناطق قبل از انقلاب و به‌خصوص رخنه عوامل ضدانقلاب داخلی و خارجی و تبلیغات دامنه‌دار آن‌ها چه قبل از جنگ و چه در حین جنگ و در اردوگاه‌ها، که مسلماً بعد از جنگ شدت بیش‌تری خواهد یافت (شکل صلح یا پیروزی قطعی در این مورد تأثیر به‌سزایی خواهد داشت) و توقعات مردم جنگ‌زده، که به‌امید پایان جنگ و اقدامات دولت نشسته‌اند، یک سازمان اجرایی مکتبی و پرتوان را می‌طلبد که جز جهاد سازندگی ارگان دیگری از عهده این کار برنخواهد آمد (مجله جهاد ۱۳۶۲ ب: ۴۴).

در نتیجه حضور جهاد سازندگی در جنگ و فعالیت در قالب نقش‌های فوق، این نهاد اجتماعی و فرهنگی به نهادی که وظایف دفاعی—مهندسی و نظامی را عهده‌دار شد تبدیل گشت. جهاد سازندگی با هدف مقابله با بی‌نظمی ایجادشده پس از جنگ بالاجبار اقدام به انجام وظایف غیرمرتبط با مسئولیت اصلی خود کرد. با خدمات ارائه‌شده این نهاد صحنه جنگ دچار تغییر تحول اساسی شد، به‌نحوی که برخی از انقلابیون ایران پیش از پایان جنگ اذعان داشتند که «مدیریت جهادی سنگرسازان بی‌سنگر» سبب شد تا تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ با این نهاد عجین شود.

۴.۴ بحران‌های ساختاری در جهاد سازندگی

منظور از «بحران‌های ساختاری» بحران‌هایی است که به صورت خواسته یا ناخواسته جهاد سازندگی را از درون درگیر کردند و سبب تغییر ساختار این نهاد از یک سو و تغییر دایره وظایف و اختیارات این نهاد از سوی دیگر شدند. در سال‌های نخست فعالیت جهاد سازندگی، به دلیل نبود اساس نامه، فعالیت‌های این نهاد انقلابی دامنه وسیعی را در بر می گرفت. در ابتدای شکل گیری جهاد، حرکت‌های اولیه خیلی تخصصی نبودند و بیش تر جنبه عمومی داشتند. در روزهای اول تأسیس، که مقارن با اوایل تابستان و فصل دروی محصولات کشاورزی در روستاهای ایران بود، جهاد سعی می کرد مردم را برای دروی محصولات بسیج کند و همه قشرهای مردم با شور و شوق خاصی عازم روستاها شدند و به کشاورزان کمک کردند (مجله جهاد ۱۳۶۱ الف). این شروع کار بود. در ادامه شورای انقلاب مصوباتی را تصویب کرد که اداره‌ها بتوانند به جهاد امکانات بدهند و افراد بتوانند به جهاد مأمور شوند (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۲۳-۲۵).

در ابتدا، این شیوه خدمت رسانی به روستاها طبیعی بود؛ چرا که روستاها از دید جهادگران «زخم خورده اصلاحات ارضی» بودند و شرایط نامناسبی داشتند. جهادی‌ها زود متوجه شدند تمرکز بر دروی محصول روستاییان نمی تواند مصداق مناسبی از رفع خرابی‌ها باشد و به همین دلیل، اقدام به برنامه ریزی دقیق تر کردند (قافله باشی ۱۳۹۷: ۲۵۱). از آنجایی که تشکیلات جهاد سازندگی در سال‌های نخست مشخص نبود و به صورت وزارت خانه فعالیت نمی کرد، عملکرد این نهاد تا زمان تبدیل شدن آن به وزارت خانه (مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، ج ۱، ۶۴۱) به نحوی بود که در واقع یک تشکیلات سرعت دهنده به طرح‌های دیگر ادارات و بازوی قوی برای آن‌ها محسوب می شد. پس از مدتی، نیروهای جهاد به این نتیجه رسیدند که این سازمان نیازمند نظم است و آن نظم نیز نوعی بوروکراسی ایجاد می کند که این بوروکراسی باید با اهداف تشکیل جهاد منطبق باشد (مشایخی و دیگران ۱۳۹۹: ۲۳-۲۶).

پس از تشکیل وزارت جهاد سازندگی، به دلیل هم پوشانی برخی وظایف جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی، کلیه فعالیت‌های دولت در زمینه بهبود کمی و کیفی و وضعیت روستاها و بهبود شرایط زندگی روستاییان و عشایر به جهاد سازندگی واگذار شد و جهاد با همکاری سایر وزارت خانه‌ها به ایفای نقش خود پرداخت، اما در ادامه مسیر به دلیل نیاز به هماهنگی بین وزرا و هم چنین پیش برد سریع امور برخی از وظایف جهاد سازندگی از این وزارت خانه تفکیک شد و به سایر وزارت خانه‌ها واگذار شد.

آیین‌نامه‌های متعددی در طول سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ درباره تفکیک وظایف جهاد سازندگی تدوین و از سوی مجلس تصویب شد که انتقال وظایف سازمان صنایع دستی به جهاد سازندگی و اجازه تأسیس و تشکیل صنایع تبدیلی اولیه کشاورزی به جهاد سازندگی (مرکز پژوهش‌های مجلس، تصویب‌نامه شماره ۸۶۷۹۰، تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۲)، قانون تفکیک وظایف جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱۱ (مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ۴۰۵)، انتقال وظایف مربوط به تأسیس اداره و نظارت بر تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دست‌باف روستایی در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ (مذاکرات مجلس، دوره ۴، ج ۱، ۹۲۸)، آیین‌نامه هماهنگی و همکاری بین جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۱۸۰، تاریخ ۱۳۶۳/۳/۶)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت بهداشت و درمان (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۴۹۶۶ ت ۹۷، تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۸)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت صنایع (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۵۷۰، تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۷)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت مسکن (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۳۶۹-۳۴۱۶۴، تاریخ ۱۳۶۵/۵/۵)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت راه (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۹۰۶-۹۰۰۱۲، تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۶)، هماهنگی و تفکیک وظایف با وزارت نیرو (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۸۵۴۹۰-۱۰۱۶، تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵)، اصلاح تصویب‌نامه راجع به اهداف و وظایف وزارت‌خانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه شماره ۶۰۹۲ ت ۱۵۳۰۶ ه ۱۵۳۰۶، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۴)، و تفکیک وظایف وزارت‌خانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی از جمله آن‌ها بودند (ایروانی ۱۳۷۷: ۱۹۶).

تفکیک وظایف باعث شد تا «جهاد سازندگی از یک سازمان مأموریت‌محور با هدف کلان توسعه روستایی و محرومیت‌زدایی به سازمانی وظیفه‌محور تبدیل شود که این امر فلسفه پیدایش جهاد سازندگی را کم‌رنگ کرد» (ظهوریان ابوترابی و دیگران ۱۳۹۷: ۱۱۲). از دیدگاه مسئولان جهاد سازندگی و همچنین اطلاعات موجود در اسناد و گزارش‌های باقی‌مانده نیز این اذعان وجود دارد که تفکیک وظایف بین وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی توسط هیئت دولت در مهرماه ۱۳۶۳ گرچه در کوتاه‌مدت فضای مستعد و پویایی برای فعالیت‌های جهاد سازندگی در زمینه کشاورزی فراهم آورد، اما با گذشت چند سال سبب تداخل وظایف، دوباره‌کاری‌ها، و عدم تضمین اجرای برنامه‌های مصوب توسط مجلس، اتلاف منابع مالی و نیروی انسانی، افزایش

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۲۷

ضایعات، توسعه بی‌رویه تشکیلات دولتی، ناهماهنگی و دوگانگی در کارها، توقف در برنامه‌ریزی، رشد بوروکراسی و سردرگمی زارعان شد (ساکما، سند ۴۰۰/۷۳۴۹).

۵. نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بحران‌های متعددی پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. این بحران‌ها، که غالباً از نوع سیاسی بود، سطوح مختلفی از نظام جمهوری اسلامی از جمله برخی از نهادهای انقلابی را، که مخلوق حوادث و شرایط جامعه پساانقلابی ایران بودند، به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر کرد و نهادهای انقلابی در صدد حل و رفع بحران و مقابله با بی‌نظمی‌های ایجادشده پس از بحران برآمدند. جهاد سازندگی یکی از نهادهای برآمده از انقلاب اسلامی بود که با هدف محرومیت‌زدایی از جامعه روستایی تشکیل شده بود، اما در مواجهه با بحران‌های پساانقلابی دچار تغییر نقش نهادی گشت و با پذیرفتن نقش‌های دیگر به‌غیر از نقش اصلی خویش و انجام وظایف غیرمرتبط با اهداف اولیه تأسیس، به درهم‌ریختگی و بی‌نظمی اداری در ساختار خویش دچار گردید و از سوی دیگر، به دلیل گستردگی حیطه‌های انجام وظایف و هم‌پوشانی برخی وظایف با فعالیت‌های سایر وزارت‌خانه‌ها، این نهاد بارها و بارها دچار تفکیک وظایف شد. ضربه‌های ناشی از دورشدن از نقش اصلی و ذاتی این نهاد و تفکیک وظایف مانند سمی مهلک در بدنه این نهاد رخنه کرد، تاجایی که علناً وزارت جهاد سازندگی به یک تسهیل‌گر بین وزارت‌خانه‌های دولتی تبدیل شد و با تغییر نقش جهاد سازندگی در بحران‌های دهه نخست انقلاب اسلامی و فاصله‌گیری از اهداف اولیه تأسیس، زمینه‌های لازم برای انحلال و ادغام این نهاد در دهه دوم فعالیت آن فراهم شد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «بررسی رویکردها و کارکردهای نهادهای محرومیت‌زدایی در دوره جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: جهاد سازندگی ۱۳۵۸-۱۳۷۹» است.

کتاب‌نامه

اردستانی، حسین (۱۳۹۳)، «جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی»، مجله نگین/یران، ش ۵۱.
اشرفی، اکبر (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر نهادهای سازداری در تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر ره‌یافت نهادی»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، ش ۱۶.

ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، *نهادگرایی و جهاد سازندگی*، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی.

براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۵)، *مدیریت بحران‌های سیاسی در فرایند تثبیت انقلاب اسلامی*، ج ۱، تهران: عروج.

بیست سال تلاش برای سازندگی: نگاهی بر عملکرد و دستاوردهای ۲۰ ساله جهاد سازندگی (۱۳۸۰)، تهران: دفتر روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، *مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*، تهران: فرهنگ گفتمان.

حیدری، مهدی (۱۳۹۳)، «پیدایش، شکل‌گیری، و فعالیت‌های جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی»، مجله نگین/ایران، ش ۵۱.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند شماره ۲۹۳/۱۵۳۰۹.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۵۴۲۵.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۵۴۹۰.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۵۸۷۴.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۷۶۲۱.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۸۵۵۱.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۴۸۶۲۳.

ساکما سند شماره ۳۲۰/۵۴۳۸۱.

ساکما سند شماره ۲۹۳/۹۶۰۴.

ساکما سند شماره ۴۰۰/۰۱۰۷۰۵.

ساکما سند شماره ۴۰۰/۷۳۴۹.

سندرلاب، اریک (۱۳۹۷)، *تاریخچه سازمانی جهاد سازندگی ایران*، ترجمه هادی جعفری و محسن جعفری، تهران: دانشگاه امام حسین.

ظهوریان ابوترابی، میثم و دیگران (۱۳۹۷)، «کشف عوامل مؤثر بر استحاله نهاد جهاد سازندگی: تحلیل شبکه مضامین»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی بسیج، س ۲۱، ش ۷۸.

قافله‌باشی سیدمجتبی و دیگران (۱۳۹۷)، *زنده‌باد جهاد: ده روایت از مدیران و پیش‌کسوتان جهاد سازندگی*، تهران: الگونگار پیشرفت.

متوسلی، محمود و دیگران (۱۳۹۷)، *اقتصاد نهادی: پیش‌گامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند*، تهران: دانشگاه امام صادق.

بررسی تأثیر بحران‌های پس از انقلاب اسلامی ایران ... (محمد جمالو و دیگران) ۱۲۹

مجتبی حسنی و امین شاه‌بابای آشتیانی (۱۳۹۵)، *اقتصاد جهادی: مروری بر تجربه اقتصادی جهاد سازندگی*، تهران: سدید.

مجله جهاد (۱۳۶۰ الف)، «قانونی‌نشدن شوراهای و عدم همکاری ادارات بزرگ‌ترین مشکل ماست»، ش ۲۳.

مجله جهاد (۱۳۶۰ ب)، «جهاد سازندگی مهاباد در خدمت محرومین کردستان، گفت‌وگو با مسئول جهاد سازندگی مهاباد»، ش ۳۰.

مجله جهاد (۱۳۶۱ الف)، «تازمانی‌که ویرانی‌ها، فقر و جهل، و وابستگی اقتصادی وجود دارد کار جهاد سازندگی تداوم خواهد داشت»، ش ۴۷.

مجله جهاد (۱۳۶۱ ب)، «شوراهای اسلامی روستایی در مسیر تشکیل و هدایت روستاییان»، ش ۳۹.
مجله جهاد (۱۳۶۱ ج)، «گزارش مقدماتی از کار شورای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی»، ش ۵.

مجله جهاد (۱۳۶۱ د)، «جهاد، فقر فرهنگی اقتصادی روستاییان، اضمحلال ضدانقلاب، گزارشی از جهاد سازندگی استان آذربایجان غربی»، ش ۵۶.

مجله جهاد (۱۳۶۱ ه)، «جهاد سازندگی در راه بازسازی و نوسازی روستاهای جنگ‌زده، بازسازی شهرها به وزارت‌خانه‌ها و بازسازی روستاها به جهاد سازندگی واگذار شده است. گفت‌وگویی با یکی از اعضای ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی»، ش ۳۶.

مجله جهاد (۱۳۶۱ و)، «لزوم تقویت جهاد سازندگی در کردستان، گزارشی از استان کردستان»، ش ۲۲.

مجله جهاد (۱۳۶۱ ز)، «نقش جهاد سازندگی در زمینه‌سازی پیروزی بزرگ فتح»، ش ۳۱.

مجله جهاد (۱۳۶۱ ح)، «نگاهی گذرا به عملکرد جهاد سازندگی در عملیات بیت‌المقدس»، ش ۳۴.

مجله جهاد (۱۳۶۲ الف)، «جهاد سازندگی و مهندسی عملیات سازمان‌یافته، گزارشی تحلیلی از فعالیت‌های مهندسی ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی»، ش ۲۹.

مجله جهاد (۱۳۶۲ ب)، «همه باهم هم‌گام با جهاد سازندگی به یاری روستاییان محروم مناطق جنگ‌زده روستایی بشتاییم، جهاد سازندگی در بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی»، ش ۵۳.

مجموعه مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی (۱۳۸۶)، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۴، ج ۱، ۹۲۸.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، ج ۱، ۶۴۱.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۶۰۲۵.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۵۵۱۱.

۱۳۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۵۵۲۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۸۵۴۹۰-۱۰۱۶، به‌تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۱۸۰، به‌تاریخ ۱۳۶۳/۳/۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۳۶۹-۳۴۱۶۴، به‌تاریخ ۱۳۶۵/۵/۵.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۴۹۶۶ ت ۹۷، به‌تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۸.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۶۰۵۷۰، به‌تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۷.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۶۰۹۲ ت ۱۵۳۰۶ و ۱۲، به‌تاریخ ۱۳۷۵/۶/۴.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۹۰۱۲-۹۰۶، به‌تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۳۶۶-۳۱۰/۳۶۶-۱-۶۶۷، به‌تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تصویب‌نامه ۸۶۷۹۰، به‌تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۲.

مشایخی، علی و دیگران (۱۳۹۹)، *رسم جهاد تجربه کار جمعی در جهاد سازندگی به‌روایت حسنعلی عظیمی*، تهران: راه یار.

Hodgson, G. M. (1998), "The Approach of Institutional Economics", *Journal of Economic Literature*, vol. 36, no. 1.

Steinmo, S., K. Thelen, and F. Longstreth (1992), *Structuring Politics: Historical, Institutionalism in Comparative Analysis*, New York: Cambridge University Press.